

## روش شناسی کلامی جلال الدین دوانی

سید علی حسینیان<sup>۱</sup>

عبدالرحیم سلیمانی بهبهانی<sup>۲</sup>

### چکیده

محقق دوانی یکی از متکلمان برجسته اشعری است که - بنابر شواهد - بعدها شیعه شد. ایشان علاوه بر علم کلام، در سایر علوم از قبیل فلسفه، تفسیر، فقه و ... صاحب اندیشه بود، و این جامعیت در آثار کلامی اش نمایان است. وی در کلام، از روش کلامی خواجه نصیرالدین طوسی، و در فلسفه از ابن سینا و سهروردی تاثیر پذیرفت. او با اینکه در عقائد، مشی اشعری دارد، اما این امر، مانع آزاداندیشی و تفکر فیلسوفانه او نگردید. بر همین اساس رویکرد او در بیشتر مباحث کلامی، بهره‌گیری از استدلال عقلی فلسفی است، و در موارد تعارض بین عقل با ظاهر نقل، با ابتدای بر عقل، به تأویل نقل اقدام نمود. البته در مسائلی که وجه غالب آنها نقلی بود به نقل قطعی عنایت ویژه‌ای داشت و از ادله نقلی بهره‌مند گشت، چنان که در مواردی هم سر سفره‌ی ادله‌ی عقلی و نقلی توأمان نشست.

**واژه‌های کلیدی:** محقق دوانی، روش شناسی، روش کلامی، عقل‌گرایی، تأویل‌گرایی.

---

۱. دانش آموخته سطح چهار، مؤسسه آموزش عالی امام صادق علیه السلام، مدرس حوزه علمیه قم.  
۲. دانش آموخته سطح چهار، مؤسسه آموزش عالی امام صادق علیه السلام، استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، رایانامه: [soleimani@isca.ac.ir](mailto:soleimani@isca.ac.ir)

## ۱. شخصیت و آثار

جلال‌الدین محمد بن سعدالدین بن محمد بن عبدالرحیم بن علی الصدیقی الدوانی مشهور به «جلال‌الدین» از حکماء و متکلمان بزرگ است که در همه علوم متداول - به خصوص در علوم عقلی - تبحر داشته و در میان شیعه و سنی محترم بود. وی در سال ۸۳۰ق در روستای دوان در نزدیکی کازرون به دنیا آمد. علوم مقدماتی را در «دوان» نزد پدرش سعدالدین اسعد فراگرفت (موسوی خوانساری، ۱۴۱۱، ۲: ۲۳۴) و بعد برای تکمیل تحصیلات، به شیراز رفت و از اساتید بزرگ آنجا بهره برد و به تدریج در شیراز شهرت فراوانی به دست آورد؛ به طوری که از جاهای مختلف، دانش‌پژوهان رهسپار شیراز شده و از درسش استفاده می‌کردند (ر.ک: امین، ۱۴۰۳، ۹: ۱۲۲؛ هروی، ۱۳۸۰، ۴: ۶۰۴؛ دوانی، خواجه‌ی اصفهانی، ۱۳۸۱، ۲۱-۲۳). وی در سال ۹۰۸ق، از دنیا رفت و مزارش در «دوان» در مقبره‌ای معروف به «شیخ عالی» می‌باشد (دوانی، ۱۳۶۳، ۴: ۴۲۵).

محقق دوانی در یک خانواده مشهور سنی شافعی به دنیا آمد و همانطور که از تألیفاتش مشخص است، پیرو مذهب شافعی و از نظر اصول عقائد، اشعری بوده است (یوسفی‌راد، ۱۳۸۷: ۳۲)، اما بنابر نظر بسیاری، وی بعدها به مذهب شیعه امامیه گرایش پیدا کرد و علاقه و اعتقاد خود را با مشرف شدن به نجف اشرف در مقابل ضریح مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام نشان داد. ایشان در آنجا رساله زوراء را در حکمت تصنیف کرد و آن را ناشی از عنایت مولا به خویش دانست (نک: هروی، ۱۳۸۰، ۴: ۶۰۵).

از دیگر ادله شیعه بودن محقق دوانی، تألیف رساله‌ی «نور الهدایة فی اثبات الامامة» در اثبات امامت است. خوانساری در این باره می‌نویسد: «زمانی که دوانی حاشیه سوم (حاشیه اجد) خود را بر شرح تجرید قوشچی می‌نوشت و ضمن آن به ایرادهای صدرالدین دشتکی پاسخ می‌گفت، دچار تأملاتی در حقانیت خلیفه اول شد و با خود گفت: اگر جدّ من ابوبکر باشد و الآن زنده باشد، از این مشکلات و مسائل علمی و دقایق حکمی و مطالب عالی اسلامی که من فرا گرفته‌ام، سر در نمی‌آورد، پس کسی که چنین باشد چگونه ممکن است شایستگی خلافت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را داشته باشد و پیشوای دین من محسوب گردد. در نتیجه چشمش به ولایت اهل بیت

عصمت علیه السلام روشن گردید و رساله «نور الهدایة» را که در آن به تشیع خود تصریح کرده، می نویسد» (موسوی خوانساری، ۱۴۱۱، ۲: ۲۳۵-۲۳۷).

لکن او به جهت این که اکثر مردم ایران تا قبل از حاکمیت صفویه، همراه با حاکمان وقت بر مذهب سنی بودند، در تقیه به سر برد و مذهب خود را اظهار نکرد. علمای بزرگی چون علامه بحرالعلوم، شیخ عباس قمی و سید محسن امین این کتاب را دلیل بر شیعه بودن محقق دوانی و هم به واسطه آن، او را از متکلمین شیعه می دانند (دوانی، ۱۳۶۳، ۴: ۴۲۲).

از محقق دوانی آثار علمی بسیاری در علوم مختلف مانند تفسیر، عرفان و تصوف، اخلاق و سیاست، شعر، فقه و اصول، حدیث، فلسفه، کلام، منطق، هیئت و هندسه، علم حروف و... گزارش شده است. (پورجوادی، ۱۳۷۷: ۸۲)، لکن عظمت این اندیشمند به کثرت تصنیف و فراوانی تألیف او محدود نیست بلکه آنچه موجب برجستگی بیشتر شخصیت او می گردد این است که از نوعی استقلال فکری و نوآوری بهره مند است.

شمار آثار وی متفاوت گزارش شده است. قاضی نورالله شوشتری، ۴۶ رساله از وی معرفی کرده است (شوشتری، ۱۳۵۴، ۲: ۲۲۱-۲۲۹). برخی ۶۳ اثر (لهسایی زاده، سلامی، ۱۳۷۰: ۴۴۵)، و برخی ۸۰ اثر (فرامرزقراملکی، ۱۳۸۳: ۸۶) و برخی دیگر ۱۰۶ اثر را گزارش کرده اند (پورجوادی، ۱۳۷۷: ۸۲).

مهم ترین آثار وی به این شرح است:

در کلام: «شرح العقائد العضدیة»، «رسالة اثبات الواجب القديمة»، «رسالة فی إثبات الواجب الجديدة»، «حاشیة قدیم و جدید و اجد بر شرح جدید تجرید الاعتقاد»، «رسالة فی تعریف علم الکلام»، «نور الهدایة فی اثبات الامامة»، «رساله تهلیلیه»، «اثبات التکلم لله و تفسیر الکلام النفسی»، «رسالة الزوراء»، «رسالة افعال العباد یا الجبر و الاختیار»، «شرح دیباچه الطوالع الانوار».

در تفسیر: «تفسیر سورة الإخلاق»، «تفسیر سورة الکافرون»، «تفسیر سورة الفلق» و «تفسیر الأسماء الحسنی».

در حکمت: «حاشیة کتاب المحاکمات»، «حاشیة حکمة العین»، «رسالة فی علم النفس» «شواکل الحور فی شرح الهیاکل النور».

در اخلاق و عرفان: «اخلاق جلالی یا لوامع الاشراف فی مکارم الاخلاق»، «التصوف

و العرفان»، «شرح الرباعیات».

در فقه و حدیث: «الأنوار الشافعية»، «شرح كتاب الأربعين نووی» و «فی أصول الحدیث».

در اصول فقه: «شرح بر منهاج الوصول بیضاوی»، «حاشیه بر اوایل شرح عضدی بر مختصر المنتهی فی الاصول» و «التسديد ربقة التقليد فی بیان کون کلّ من مذاهب الأربعة علی الهدی».

در منطق: «حاشیه تهذیب المنطق»، «حاشیه شرح المطالع»، «نهاية الكلام فی حلّ شبهة کلّ کلامی کاذب»، «المسائل المنطقية» و «شرح الرسالة النصيرية».

در هیئت و هندسه: «حاشیه بر شرح رومی بر الملخص فی الهیئت» و «شرح تحریر اصول اقلیدس» و در کتاب «نموذج العلوم» احاطه خود را بر علوم مختلف اثبات کرده است (امین، ۱۴۰۳، ۹: ۱۲۲).

نکته قابل توجه در مورد آثار ایشان این است که کتب او از منابع تحقیق و پژوهش صدر المتألهین بوده و در کتاب اسفار قریب ۴۰ مورد از ایشان تحت عناوین «المحقق الدوانی»، «المحقق الجلیل»، «العلامة الدوانی»، «المولى الدوانی»، «بعض أجلة الفضلاء»، «بعض أجلة أصحاب البحوث» و «بعض من أجلة العلماء المتأخرین» یاد کرده است (دوانی، میرداماد، بی تا، ۲۳).

## ۲. روش تالیفی و تدوینی

تالیفات کلامی محقق دوانی دو دسته است:

**الف:** آثاری که شرح و حاشیه بر کتب متکلمین قبل می باشد، مثل: «شرح العقائد العضدية»، «حاشیه قدیم و جدید و آجدّ بر شرح جدید تجرید الاعتقاد»، «شرح دیباچه طوابع النور».

**ب:** آثاری که تالیف خود ایشان می باشد، مثل: «تعریف علم کلام»، «الحجج الباهرة فی افهام الطایفة الفاجرة»، «أفعال الله»، «نور الهدایة»، «توبذ من الکلام علی طرائف علم الکلام»، «خلق الاعمال یا الجبر و الاختیار»، «اثبات التکلم لله و تفسیر الکلام النفسی»، «جبر و اختیار»، «الرسائل المختارة»، «تهلیلیه شرح کلمه لا اله الا الله».

کتاب تالیفی مستقلى که دربردارنده یک دوره کامل مباحث کلامی باشد از ایشان گزارش نشده و تالیفات مستقل وی در حوزه‌ی عقائد به صورت موضوعی و مساله محور است.

با توجه به تقسیم آثار ایشان به شرحی و تالیفی، چينش مباحث هر کدام به شرح ذیل است:

## ۱-۲. آثار شرحی

۱. «شرح العقائد العُضدیة»: این کتاب شرح محقق دوانی بر کتاب «العقائد العُضدیة» قاضی عضدالدین ایجی می‌باشد که مشتمل بر یک دوره کلام اشاعره به صورت موجز می‌باشد. بعدها سید جمال‌الدین اسدآبادی بر این شرح تعلیقه‌ای نوشته است که در حال حاضر با نام «التعلیقات علی شرح العقائد العُضدیة» چاپ شده است. محقق دوانی در این شرح که بر مذهب اشعری قلم زده است بر خلاف مؤلف که به بیان چکیده‌ی مهمترین مباحث و آرا کلامی بدون ذکر قائلین آنها پرداخته است، به طور تفصیل آنها را با ذکر قائلان بیان کرده و با اضافه نمودن مطالب مفید و ضروری و شرح و توضیح آنها بر وزانت آنها افزوده است.

۲. «حاشیه قدیم و جدید و اجد بر شرح جدید تجرید الاعتقاد» مشهور به «طبقات جلالیه»: علاء‌الدوله علی بن محمد مشهور به قوشچی (م ۸۷۹ ق) شرحی بر کتاب تجرید الاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی نگاشته است که به «شرح جدید تجرید» مشهور است. محقق دوانی بر این شرح سه حاشیه نگاشته است. حاشیه اول به «حاشیه قدیم» موسوم است در همان زمان صدرالدین دشتکی (م ۹۰۳ ق) در اولین حاشیه‌ای که بر شرح جدید تجرید نوشته آراء ایشان در حاشیه قدیم‌اش را مورد انتقاد قرار داده است. در پی اعتراضات دشتکی، محقق دوانی حاشیه‌ی دیگری بر تجرید نوشت که به «حاشیه جدید» موسوم است. پس از نگارش این رساله، دشتکی در حاشیه دومی که بر شرح جدید تجرید نگاشت، آراء جدید وی را نقد کرد. در پی اعتراضات دوباره‌ی دشتکی، محقق دوانی یک سال پس از نگارش حاشیه جدید به نگارش حاشیه دیگری بر شرح جدید تجرید پرداخت و آن را حاشیه اجد نامید (شوشتری، ۱۳۵۴، ۲: ۲۲۵). متأسفانه در حال حاضر اولاً یک حاشیه از ایشان به صورت نسخه خطی موجود است که معلوم نیست دربردارنده‌ی هر سه حاشیه است یا یکی از آن حواشی می‌باشد ثانیاً این نسخه موجود تا مفاهیم عامه‌ی تجرید را در

بردارد و مباحث مربوط به قسمت الهیاتش به ما نرسیده است.

۳. «شرح دیباچه طوابع الانوار»: خطبه طوابع الانوار رساله مختصری است در کلام از عبدالله بن عمر بیضاوی (م ۶۸۵ ق) که شروع بسیاری بر آن نوشته شده است. محقق دوانی دیباچه این خطبه را شرح کرده است.

## ۲-۲. آثار تالیفی

این آثار در رابطه با برخی مسائل خاص کلامی نوشته شده است. مانند رساله «نور الهدایة»: این رساله‌ی مختصر در موضوع کلام و اعتقادات و به زبان فارسی می‌باشد که صورت دفاعی دارد یعنی پس از مقدمه (لزوم تحصیل یقین در عقائد) به بیان شبهاتی که عده‌ای در باب سه مسئله توحید، حدوث عالم و عصمت انبیاء و همین‌طور ولایت امیرالمومنین و ائمه اطهار علیهم السلام وارد شده پرداخته است و با براهین عقلی و بعضاً نقلی به آنها پاسخ داده شده است. نویسنده در ابتدای رساله می‌گوید که لقب صدیقی او «تصدیق به اصول و فروع دین محمدی» است، در حالی که گفته‌اند این لقب به جهت انتساب به ابوبکر بوده است. پس از آن در دفاع از دو موضع گیری پیشین خود- در مورد حدوث عالم و در خصوص امامان شیعه- به بحث می‌پردازد. مؤلف در عقائد مذهبی جانب احتیاط را رعایت کرده است، از طرفی می‌گوید: «به یقین دانستیم که خلیفه بر حق بعد از نبی مطلق ﷺ، امیرالمؤمنین علی علیه السلام است و بعد از ایشان امام حسن و بعد از ایشان امام حسین الی مهدی الهادی علیه السلام»، و از طرف دیگر می‌گوید «اگر چه خلفای ثلاثه در ابتدای امر مرتکب قبائح می‌شدند، اما چون به درجه ایمان رسیدند، عمل‌های محموده نمودند که موجب کثرت ثواب بود و واجب الوجود به طریق جزا عطا فرموده ایشان را استعداد خلافت و ثانی، الحال که خلیفه شدند بر حق باشند».

## ۳. کارکرد علوم در مباحث کلامی

از آنجا که علوم به دو دسته عقلی و نقلی قابل تقسیم می‌باشد، نقش هر کدام از این علوم در مباحث کلامی علامه دوانی به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱-۳. علوم عقلی

#### ۱-۱-۳. منطق

سه گرایش عمده در نظام منطق‌نگاری در میان دانشمندان مسلمان وجود دارد:

منطق‌نگاری نه بخشی، منطق‌نگاری دو بخشی و منطق‌نگاری تلفیقی. این سه نظام هم به لحاظ ساختار و هم به لحاظ آرا و نظرات متمایز می‌باشند. در این میان، دو نظام را نزد فیلسوفان دوره شیراز می‌توان مشاهده کرد. گرایش غالب در مدرسه صدریه، به ویژه نزد غیاث‌الدین دشتکی (م ۹۴۹ ق) منطق‌نگاری نه بخشی است، در حالی که شیوه منطق‌نگاری در مدرسه جلالیه‌ی محقق دوانی، کم و بیش نظام دو بخشی است. به هر حال ایشان را می‌توان به حق یکی از منطق‌دانان صاحب‌نظر به حساب آورد. وی در زمینه‌ی منطق تالیفات متعددی دارد که برخی از آنها عبارتند از: «حاشیه بر تهذیب المنطق»، «حاشیه بر حاشیه میر سید شریف بر کتاب شمسیه»، «المسائل المنطقیه»، «حواشی بر لوامع الأسرار فی شرح مطالع الأنوار».

ایشان در مکتوبات کلامی خویش نیز در موارد گوناگون به صورت کاربردی از تاملات منطقی بهره برده است. از نظر صورت از انواع حجت‌های منطقی استفاده نموده و از نظر ماده‌ی استدلال نیز از برهان و جدل بهره گرفته است. در اینجا نمونه‌های مختصری را بازگو می‌کنیم:

۱. استدلال مباشر: عکس نقیض: به عنوان مثال در بحث اراده تکوینی خداوند با عکس نقیض گرفتن از کلام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، می‌گوید: «پیامبر اکرم فرموده: «ما شاء الله کان، و ما لم یشاء لم یکن» که عکس نقیضش می‌شود: «کل ما یکون، فهو ما شاء الله» که این استدلال مبشری منطقی دلالت می‌کند بر اینکه هر چیزی که کائن باشد مراد خداست و آنچه کائن نباشد مراد خداوند نیست» (دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۹۸).

۲. برهان سبر و تقسیم: در این برهان فرضیه‌ها و اقوال مختلف در مسئله در نظر گرفته می‌شود سپس با بررسی و نقد یکایک احتمالات، یکی از آنها اثبات شده و احتمالات اشتباه کنار گذاشته می‌شود. یکی از دلایل ایشان درباره‌ی رویت خداوند در قیامت دلیل عقلی است که در آن تمام احتمالات را درباره‌ی علت تعلق رویت به اشیاء مختلف ذکر می‌کند و با ابطال آنها به جز یک فرض مدعای خود را اثبات می‌کند (همان: ۹۶). همچنین در استدلال بر وجود خداوند (همان: ۵۴)، و اینکه چیزی بر خداوند واجب نمی‌باشد (همان: ۹۹-۱۰۰)، از همین طریق بهره می‌برد.

۳. قیاس اقترانی: البته محقق دوانی غالباً قیاس‌های اقترانی را به صورت «قیاس ضمیر» و با حذف صغرا یا کبرا می‌آورد. به عنوان مثال ایشان بر اساس آیه‌ی: ﴿رَبُّ



أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ وَإِنِ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي ﴿﴾ (اعراف: ۱۴۳)، به صورت قیاس اقترانی ضمیر بر امکان رویت الهی در قیامت برای مومنین استدلال می‌کند. بیان ایشان با توجه به آیه مذکور این است: «رویت الهی مورد سوال موسی بود که این دلالت می‌کند بر امکان آن» صورت کامل قیاس ایشان چنین است: رویت الهی مورد درخواست موسی بود، هر چه مورد درخواست موسی باشد امکان دارد، پس رویت الهی امکان دارد. وی در تبیین کبری می‌گوید: انسان عاقل امر محال را طلب نمی‌کند، پس به طریق اولی موسی به عنوان پیامبر الهی آنچه طلب نموده (یعنی رویت) محال نمی‌باشد (همان: ۹۶). همچنین ایشان برای اثبات عقلی نبودن حسن و قبح (همان: ۱۰۸) و نیز عدم تناهی قدرت الهی در تعلق به مقدرات (همان: ۱۰۹) و وجوب نظر در معرفت خداوند (همان: ۵۸) از همین طریق استفاده می‌کند.

۴. برهان خلف: قیاسی که مطلوب را با ابطال نقیض ثابت می‌کند. به عنوان نمونه با ابطال فرض تعدد واجب الوجود بالذات، توحید واجب متعال را نتیجه می‌گیرد (همان: ۸۸-۸۹).

۵. تمثیل: به اعتقاد محقق دوانی عمل بخش عرفی ایمان است نه بخش حقیقی آن. لذا با نبود عمل صالح، ایمان از بین نمی‌رود و جزء بودن عمل برای ایمان را تشبیه به مو و ناخن به عنوان اجزا زید و نیز تشبیه به شاخ و برگ درخت به عنوان اجزا آن نموده و از راه تمثیل نظرش را تبیین می‌کند (همان: ۱۴۰-۱۴۱. نیز ر.ک: همان: ۶۸ و ۱۱۲).

### ۲-۱-۳. اصول فقه

از آنجا که مسائل علم کلام به دو دسته عقلی و نقلی تقسیم می‌شوند و در مسائل نقلی قواعد اصول فقه نقش اساسی دارد لذا نتایج مباحث اصول فقه هم، چنان که در غالب رشته‌های علوم اسلامی کاربرد دارد در علم کلام نیز مورد استفاده واقع می‌شود. محقق دوانی نیز با توجه به تسلطی که به اصول فقه داشته و کتبی را در این زمینه نگاشته، در کتب کلامی خود از مباحث اصول فقه استفاده کرده است.

وی در بحث «وجوب نظر در معرفت خداوند» قایل به وجوب شرعی آن است اما تلاش می‌کند برای مستدل ساختن آن علاوه بر دلیل شرع، از طریق عقل نیز بهره گیرد. در این راستا دلیل عقلی که ارایه می‌نماید مربوط به مباحث اصول فقه می‌باشد؛



یعنی از باب مقدمه واجب، وجوب نظر را استنتاج می‌کند (همان: ۵۸).

همچنین ایشان به اختلاف اصولیین در اینکه اولین واجب بر مکلف چیست، اشاره می‌کند که اصولیین از اشاعره قایلند وجوب معرفت خدا اولین واجب است، معتزله قایلند نظر در معرفت الله اولین واجب است، و در ادامه با عبارت «الحقّ عندی» نظر خودش را با تفصیل دادن اولین واجب بر مسلمان به طور خاص، و اولین واجب بر مکلف به طور عام - که شامل کافر هم می‌شود - بیان می‌دارد (همان: ۵۹ - ۶۰).

در اثبات کلام الهی (دوانی، خواجویی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۱۶۰)، و ادعای نبوت پیامبر اکرم و اظهار معجزه‌های متعدد (دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۱۳۲) به تواتر تمسک می‌کند.

ایشان معتقد است نسخ آیه‌ای از قرآن تنها با آیه‌ی دیگر یا روایات متواتر از جانب پیامبر اکرم امکان پذیر است و خبر واحد و قیاس و اجماع توان نسخ آیات قرآن را ندارد (دوانی، ۱۴۱۱: ۵۳).

دیگر بحث‌های موثر اصولی در آثار وی عبارتند از: دلالت امر بر وجوب (دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۵۷ - ۵۸)، بیان اختلاف اصولیین در استعمال لفظ در بیش از یک معنا (دوانی، بی تا الف: ۴۹)، اجماع (همان: ۱۲۰؛ همو، ۱۳۸۱: ۲۶۶)، ظواهر نصوص سمعی (همو، ۱۳۸۱: ۱۶۵) و وضع اعلام شخصی (همو، بی تا الف: ۵۷ - ۵۸).

### ۳-۱-۳. معرفت‌شناسی

از آنجا که معرفت‌شناسی در دوره‌های پیشین به صورتی که امروزه به عنوان شاخه‌ی مستقلی از علوم انسانی مطرح است سابقه نداشته، لذا کتاب مستقلی در این خصوص از اندیشمندان اسلامی وجود ندارد، اما در عین حال با تتبع در کتب کلامی به این نتیجه می‌رسیم که برخی متکلمان اسلامی در آغاز مسائل کلامی خود یا به مناسبتی برخی از مسائل معرفت‌شناسی را مطرح نمودند. از این رو هرچند تالیف مستقلی در خصوص علم شناخت‌شناسی از محقق دوانی سراغ نداریم، لکن در آثار متعدّدش از مباحث و اصطلاحات معرفت‌شناسی استفاده کرده است.

به عنوان مثال، می‌توان از مباحثی همچون: ابزار معرفت اعم از حواس پنج‌گانه (همان: ۷۴) و عقل (همان: ۷۵) و وحی (همان: ۱۲۲)، تعریف نظر به فکر و اختیاری دانستن آن (همان: ۶۱) (البته ایشان تمام افعال اختیاری را به اسباب غیر اختیاری منتهی می‌داند) (همان)، حقیقت علم و ادراک (دوانی، خواجویی اصفهانی، ۱۳۸۱:

۱۲۸ و ۱۴۳)، اشاره به علم حضوری (دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۷۸ و ۸۳) و سفسطه بودن نفی وجود ذهنی (دوانی، ۱۴۲۳: ۱۴۹) یاد کرد. ایشان در بحث صدق و کذب قائل به تئوری مطابقت می‌باشد (دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۹۵)، و بدیهی و نظری را نسبی می‌انگارد، نه نفسی، که به حسب اختلاف اشخاص و اوقات، مختلف می‌باشد (دوانی، ۱۳۸۱: ۳۰).

#### ۴-۱-۳. فلسفه

محقق دوانی از زمره متکلمان عقل‌گرای فلسفی به حساب می‌آید که در اکثر آثار خود، در لابه‌لای مسائل کلامی از مفاهیم و مسائل فلسفی استفاده می‌کند. هنرنمایی او این است که با حفظ موضع اشعریت (همچون انکار سنخیت میان خالق و مخلوق) در عین حال می‌خواست یک فیلسوف نیز باشد. وی در مباحث مختلف کلامی به دیدگاه فلاسفه - به ویژه شیخ الرئیس و محقق طوسی - اعتنا و اهتمام ورزیده است. این توجه را می‌توان در مواردی همچون: عینیت صفات با ذات الهی (دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۶۷)، علم الهی (همان: ۷۶)، عمومیت علم خداوند (همان: ۷۴) و حقیقت قدرت (همان: ۸۴) مشاهده کرد. در بحث حدوث و قدم عالم برخی از حکماء نظریه حدوث دهری را از مبدعات میرداماد می‌دانند (سبزواری، ۱۳۶۹-۱۳۷۹، ۲: ۲۸۸-۲۸۹)، در صورتی که پیش از او محقق دوانی آن را مطرح کرده است (دوانی، بی‌تا، ۱۱۵-۱۱۶).

وی با استدلال بر امتناع تسلسل به تبیین برهان حدوث و قدم برای اثبات خداوند، پرداخته و در این باره از شروطی که فلاسفه برای تسلسل محال بیان کرده‌اند، بهره گرفته است (دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۵۰-۵۲).

در مسئله‌ی اثبات واجب با تمسک به برهان امکان و وجوب با تقریر سینیوی آن (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ۳: ۹۸)، بدون ابتنا بر استحاله‌ی دور و تسلسل، وجود واجب را نتیجه می‌گیرد (دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۵۴).

دوانی در رساله عرفانی - فلسفی «لزوراء» از حکمای مشائی فاصله گرفته و برخی از مواضع مهم فلسفی خود را آشکار ساخته است. به عنوان مثال مسئله‌ی علت و معلول را مورد بررسی قرار داده و معلول را وجهی از وجوه یا شأنی از شئون علت به شمار آورده است. و به این نکته نیز توجه کرده که کل عالم هستی یا با واسطه یا بدون واسطه معلول حق شناخته می‌شود و معلول نیز جز شأنی از شئون حضرت حق،

چیز دیگری نیست، و نتیجه گرفته در عالم هستی ذوات متعدد وجود ندارد و آنچه حقیقت هستی را تشکیل می دهد ذات واحدی است که دارای صفات متعدد و بسیار است (دوانی، خواجویی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۱۷۵).

ایشان قائل است که معدوم شدن یک شیء به طور کلی و همه جانبه امکان پذیر نیست. بنابراین زائل شدن یک معلول به معنای آن است که علت در طور دیگری ظهور و تجلی نموده است. به عبارت دیگر: تشأن علت به شئون متفاوت، به معنی نابودی هر یک از شئون مختلف نیست (همان: ۱۷۵-۱۷۶).

محقق دوانی از طرفداران اصالت ماهیت است. وی مطابق با بیان شیخ اشراق در انتزاعی دانستن مفهوم وجود، معتقد است در خارج تنها ماهیت موجود تحقق دارد بدون آنکه در آنجا امر مسمی به وجود باشد، بلکه عقل با تحلیل آن، وجود را انتزاع می کند و ماهیت را بدان متصف می کند (دوانی، مخطوط الف: ۱۰). به اعتقاد ایشان، وجود دو معنا دارد: یک معنای آن، حقیقت خارجی است که واحد و قائم به ذات می باشد و مساوق با وجود واجب است و معنای دوم آن، حقیقت امکانی است که وجود مستقلی ندارد و در وجودش تابع حقیقت وجود است. ممکنات به حسب ذات، قائم به ذات خود و داخل در موجود نیستند، و معنای موجود بودن این است که شیء به گونه ای باشد که وصف موجودیت، بذاته از آن انتزاع شود، و واجب متعال موجود بذاته است و وجود عین ذاتش می باشد. لذا منشأ انتزاع وجود در واجب الوجود نفس ذات اوست و در ممکن الوجود، صفت مکتسبه از فاعل، و به عبارتی انتساب به فاعل می باشد (همان: ۳۳-۳۴). این نظریه در باب وجود همان چیزی است که در عرف حکما به عنوان ذوق التآله یا ذوق المتألهین معروف گشته است.

محقق دوانی با نگاه هستی شناسانه به مقوله ی علم، آن را حصول عین ماهیت معلوم می داند (همو، ۱۴۲۳: ۱۴۸) و همگام با فلاسفه متفق القول است که در علم حصولی، صورت شیء خارجی در ذهن حاصل می شود. اما به خاطر ترس از فنا و انقلاب ماهیت (صورت ذهنی) منکر کیف نفسانی بودن علم (همو، مخطوط ب: ۶۰-۶۱) شده و عقیده قائلان به کیف بودن صور ذهنی را چیزی در حد مسامحه در تعبیر می داند و معتقد است که علم از مقوله معلوم خارجی خودش است، لذا چه بسا علم، جوهر است مانند علم به جوهر؛ و چه بسا علم قائم به خودش است مثل علم نفس به خودش و چه بسا علم عین واجب است، مثل علم واجب به ذاتش (همو، ۱۴۲۳:

۱۲۸). اما صدرالمآلهین در نقد دیدگاه محقق دوانی علاوه بر اینکه کیف دانستن صورت علمی را انقلاب نمی‌داند، دیدگاه وی را به گونه‌ای شدیدتر، مستلزم انقلاب در ماهیت می‌داند (ملاصدرا، ۱: ۳۰۶).

### ۵-۱-۳. عرفان

محقق دوانی متأثر از بحث‌های شیخ اشراق، حرف‌های لطیفی در رابطه با حضرت حق و موجودات دارد. به عنوان مثال ایشان در شرح بیان سهروردی در چند مورد به بحث از وحدت وجود می‌پردازد. از جمله در شرح این سخن شیخ اشراق که «و هو وراء ما لایتناهی بما لایتناهی فکل شأن فیه شأنه» (سهروردی، ۱۳۷۹: ۸۳) می‌آورد: «بل کل شأن فهو شأنه و کیف لا و الوسایط أيضاً لمعات أنوار ذاته» (دوانی، ۱۴۱۱: ۱۸۵) که سائر موجودات را پرتویی از نور ذات خداوند می‌خواند.

در مورد دیگر با اشاره به بحث ارباب انواع در پایان، بحث از ظل بودن عالم را مطرح می‌کند و می‌گوید: «و بدان وقتی دانستی که شبیح، ظل نور مجرد است و همه صفاتش سایه‌هایی از صفات روحانی آن نوراند و نیز قبلاً دانستی که اجسام و صفاتشان ظل ارباب نوری‌اند و آن انوار و صفاتشان نیز ظلال نورالانواراند، پس این صفات مستهلک در احدیت ذات و متکثر در آن مظاهر هستند در نتیجه عالم همگی ظل نورالانوار است» (همان: ۲۴۴).

او علاوه بر این در توجیه کثرت موجود در عالم از تعبیر نور کمک می‌گیرد و تاکید می‌کند جهان بازتاب تجلی خداوندی است که به‌طور غیرمستقیم نمایانگر تجلی اسماء و صفات الهی است (همو، ۱۳۶۸: ۵۵).

### ۲-۳. علوم نقلی

#### ۱-۲-۳. ادبیات

دقت ادبی محقق دوانی در آثار مختلفش گواه بر تسلط و تبحر وی در مباحث ادبی است. آثار کلامی وی نیز از مباحث ادبی خالی نیست. در شرحش بر کتاب عقائد عضدیه‌ی ایجی، به‌طور فراوان از تحلیل‌های نحوی و لغوی برای تفسیر بهتر کلام ایجی بهره برده است. به عنوان مثال در مطلع کتاب، مصنف حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رابطه با انشعاب امت اسلامی به هفتاد و سه فرقه، و اهل نجات بودن یک فرقه از آنها ذکر می‌نماید که محقق دوانی، با نگاه ادبی و لغوی به همراه تحلیل

عقلی، حدیث ذکر شده را شرح می دهد (دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳، ۴۰-۴۲). همچنین در تبیین معنای «صمد» (دوانی، بی تا الف: ۴۹) و در تفسیر «لا اله الا الله» (همو، ۱۳۷۳: ۳۴-۴۰) و نیز در تفسیر سوره های اخلاص و کافرون به طور مفصل از مباحث ادبی و لغوی استفاده کرده است.

در تبیین حقیقت ایمان، با توجه به معنای لغوی ایمان، ماهیت ایمان را از نظر شرع، تصدیق قلبی شمرده (دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۱۳۹) و عمل را خارج از ماهیت ایمان دانسته و برای اثبات آن به عطف در آیه ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ (عصر: ۳) استدلال می کند (همان: ۱۴۰).

### ۲-۲-۳. تاریخ

محقق دوانی اگر چه در زمینه تاریخ کتابی مستقلی ندارد اما در مباحث کلامی امامت از بحث های تاریخی استفاده کرده است. در باره شرافت نفس امیرالمومنین علیه السلام و لدنی بودن علم ایشان به گزارش تاریخی که از مادر بزرگوار حضرت نقل شده، استناد می کند (دوانی، بی تا ب: ۱۲۲). همچنین عدم صلاحیت خلفای ثلاثه برای خلافت بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به واسطه ی شرکشان قبل از اسلام و اشتباهاتشان بعد از اسلام (همان: ۱۲۲) و نیز در پاسخ به این شبهه که: «اگر امیرالمومنین علیه السلام بر حق بود چرا بعد پیامبر مردم را به خویش دعوت نکرد؟» به بیعت نکردن حضرت اشاره می کند و پاسخ معقولی می دهد (همان: ۱۲۶-۱۲۷) و در تمام این موارد از اطلاعات تاریخی بهره می گیرد.

### ۴. جایگاه معرفت عقلی در روش کلامی دوانی

با مطالعه آثار مختلف محقق دوانی و نحوه ی تبیین و استنباط و استدلال ایشان می توان نتیجه گرفت که ادله شرعی از نظر وی عبارتند از: قرآن، سنت، عقل و اجماع؛ که از هر کدام از اینها به تناسب بحث هایش استفاده می کند. عقل به عنوان دلیل مستقل در مباحث او جایگاه ویژه ای داشته، و تاکید زیادی بر بهره گیری از عقل در مسائل مختلف کلامی دارد.

باید توجه داشت که مسائل کلامی یا از قبیل مسائل پیشاوحیانی هستند، که صرفا باید از طریق عقل اثبات شوند و اعتبار و حجیت نقل متوقف بر این مسائل است، مانند اثبات ذات و صفات الهی. و یا پساوحیانی اند، که خود بر دو قسم است؛ اول: مسائلی که در اثبات متوقف بر عقل نیستند لکن عقل برای درک این مسائل توانمند

است. در این مسائل هم می‌شود از عقل استفاده کرد و هم از نقل، مانند اثبات اصل معاد. دوم: مسائلی هستند که نه تنها متوقف بر عقل نیستند بلکه حتی عقل توان درک آنها را نیز ندارد. این دسته صرفاً باید از طریق نقل اثبات شوند، مانند تفصیل معاد.

محقق دوانی از ادله‌ی عقلی در استنباط و اثبات مسائل دسته‌ی اول و دوم به خوبی استفاده نموده است. و در دسته سوم مانند سایر متکلمان به ادله نقلی استناد می‌کند.

نمونه‌های دسته‌ی اول (پیشواو حیانی) در آثار دوانی عبارتند از: اثبات خداوند (همو، ۱۴۲۳: ۱۱۸؛ ۱۴۱۱: ۱۶۷ و ۱۷۷؛ دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۶۴)، اثبات صفات الهی، مانند قدرت، علم و حیات (دوانی، ۱۴۲۳: ۱۴۳-۱۵۷؛ دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۶۷-۸۷)، توحید ذاتی اعم از احدیت و واحدیت (دوانی، ۱۴۲۳: ۱۲۵؛ ۱۴۱۱: ۱۷۱-۱۷۲، ۱۶۵؛ ۱۳۷۳: ۶۰-۶۱؛ دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۸۸)، صفات سلبیه (دوانی، ۱۴۱۱: ۱۷۵؛ ۱۳۷۳: ۵۴-۵۵؛ دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۸۸-۹۴)، توحید صفاتی (دوانی، ۱۴۲۳: ۱۴۰؛ ۱۴۱۱: ۱۷۳) و توحید افعالی (همو، ۱۳۷۳: ۵۶).

نمونه‌های دسته دوم عبارتند از: قول به کسب در بحث جبر و اختیار (دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۶۵-۶۶)، نفی فاعلیت انسان و انتساب کفر و معاصی به ایجاد و خلق الهی (همان: ۹۸-۹۹) و نفی رویت خداوند متعال در قیامت برای مومنان با چشم سر (همان: ۹۵-۹۶). ایشان با دلیل عقلی و نقلی «وجوب علی الله» و- به تبع آن- لوازم و فروعات آن، مانند عدم وجوب اصلح (همان: ۱۰۰)، وجوب اعواض (همان: ۱۰۱)، وجوب ثواب و عقاب (همان: ۱۰۱-۱۰۲) و وجوب لطف (همو، ۱۴۱۱: ۴۸) را نیز رد می‌کند.

بحث‌های عقلی محقق دوانی محدود به حوزه‌ی عقل نظری نیست، بلکه در مباحث عقل عملی نیز از براهین عقلی بهره جسته است. به عنوان نمونه ایشان با نفی ذاتی بودن حسن و قبح اشیاء، برای عقل، مستقلاً درکی قائل نیست و بر شرعی بودن حسن و قبح، تاکید و بر آن دلیل عقلی اقامه می‌کند (دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۱۰۶-۱۰۸). وی با همین چارچوب، مسائل متفرع بر آن را نتیجه می‌گیرد، مانند نفی ظلم و قبح از فعل خداوند با نگاه اشعری (همان: ۱۰۴) و نفی حکمت به معنای غایتمندی افعال الهی (همان: ۱۰۴-۱۰۵). او وجوب نظر را شرعی می‌داند و وجوب عقلی آن را

که مدلل به دلیل «وجوب شکر منعم» بر مدار حسن و قبح عقلی است رد می‌کند. برای اثبات وجوب شرعی نظر، به آیات قرآن و دلیل عقلی تمسک می‌کند. دلیل عقلی‌اش این است که عبادت خداوند به اجماع واجب است و عبادت بدون معرفت ممکن نیست، در نتیجه معرفت خداوند از باب مقدمه‌ی واجب، واجب است. و چون معرفت مبتنی بر نظر است بنابراین نظر هم واجب است (همان: ۵۷-۵۸).

با اینکه در مباحث محقق دوانی رویکرد عقلی غالب است و در مواردی که دلیل عقلی بر مدعا باشد غالباً از آن شروع می‌کند، اما بر تمسک و التزام به نقل هم تأکید جدی دارد؛ تا حدی که تجاوز از ظواهر نصوص را جز در موارد ضرورت جایز نمی‌داند (همان: ۴۱). وی ضرورت را در جایی می‌داند که ظاهر نقلی با دلیل محکم عقلی در تعارض باشد، که در این صورت می‌بایست دست از ظاهر کشید و به تأویل نقل پرداخت. به عنوان مثال ایشان به استناد برهان عقلی، جسمانیت خداست و تأویل آیه ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ (فتح: ۱۰) را ضروری می‌داند (دوانی، بی‌تا الف: ۱۱۲). او همچنین منکر غایت و غرض برای افعال الهی است و معتقد است که با حاکمیت عقل، آیات و روایاتی که موهّم این معناست باید تأویل شود (دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۱۰۶).

## ۵. جایگاه معرفت نقلی در روش کلامی محقق دوانی

محقق دوانی علاوه بر به کارگیری نقل در مباحث مشترک بین عقل و نقل، همچنین از ادله نقلی در تبیین و اثبات آن دسته از مباحث کلامی که از نظر وی صرفاً نقلی است، استفاده کرده است. به عنوان مثال در مباحثی مانند معاد جسمانی (همان: ۱۴۲۳: ۱۱۷-۱۱۸)، صراط (همان: ۱۲۲)، میزان (همان: ۱۲۳)، شفاعت (همان: ۱۲۷)، عمومیت و خاتمیت پیامبر اسلام (همان: ۱۳۲) و غیر مخلوق بودن کلام الهی (همان: ۱۱۲)، از آیات و روایات استفاده می‌کند. ذیل آیه شریفه ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِيَ دِينِ﴾ (کافرون: ۶) به مسئله تعارض این آیه با حکم نسخ شرایع پیشین و نیز تعارضش با حکم جهاد و قتال با کفار و مشرکین می‌پردازد و برای حل تعارض، علاوه بر دلایل عقلی از آیات قرآن کریم نیز استفاده می‌کند (دوانی، ۱۴۱۱: ۴۵-۵۸). در روش محقق دوانی، برخی از مسائل کلامی به استناد روایات متواتر اثبات می‌شود، مثل معجزات پیامبر اکرم ﷺ (دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳، ۱۳۲) و کرامت برخی از اولیای دین (همان: ۱۳۶) و سوال نکیر و منکر (همان: ۱۳۰).

ایشان اجماع را به عنوان یکی از ادله‌ی نقلی، معتبر و حجت می‌داند و اجماع را «اتفاق جمیع اهل حل و عقد از امت اسلامی در هر عصری بر حکمی از احکام دین» می‌داند (همان: ۴۲). او در اثبات برخی مسائل کلامی همچون عصمت نبی (همان: ۱۳۳) از اجماع بهره گرفته است. در معاد جسمانی نیز علاوه بر آیات قرآنی، به اجماع تمسک کرده است (همان: ۱۱۷)، چنانکه در اثبات خلافت خلیفه اول و دوم به اجماع امت استدلال می‌کند (همان: ۱۳۷).

محقق دوانی بعد از تشرف به مذهب شیعه، رساله‌ی مختصری بر مبنای عقائد امامیه تحت عنوان «نور الهدایة فی اثبات الامامة» نگاشت که در این رساله‌ی قویم برخی نظرات جدید ارایه کرد، مثل وجوب عصمت وصی نبی (دوانی، بی تا ب: ۱۱۸-۱۲۱)، و بعضی از دیدگاه‌های گذشته را اصلاح کرد. به عنوان نمونه با استفاده از آیه مباهله و گزارشات تاریخی، بر امامت و خلافت بلافصل امیرالمومنین سلام الله علیه بعد رسول اکرم صلی الله علیه و آله استدلال کرد و خلافت خلفای قبل از او را مردود دانست (همان: ۱۲۱-۱۲۴).

### ۶. شیوه مواجهه محقق دوانی با آرای کلامی

محقق دوانی با کرامت نفس، در مناظرات علمی با علمای عصر مانند صدرالدین دشتکی، در نهایت احترام بحث می‌کرد و از مجادله بر حذر بود (نک: دوانی، ۱۳۳۵: ۱۱۹). با اینکه سعی ایشان بر این بوده تا با دلایل محکم به تبیین و اثبات دیدگاه خویش بپردازد، اما از رعایت احترام به دیدگاه‌های مختلف غافل نبوده است. گاهی به جای نام بردن از کسی صرفاً با تعبیر «بعض المحدثین» (دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۴۷)، «بعض المتأخرین» (همان: ۴۸)، «بعض الفضلاء» (همان: ۴۹) و «بعض العارفین» (همان: ۵۹) قولشان را بیان میکرد و پاسخ میگفت. در موارد متعدد برای تحکیم پایه‌های استدلالش، با بیان «ان قلت و قلت» دفع دخل مقدر می‌نمود (همان: ۴۹، ۵۴، ۵۵، ۵۹، ۶۴، ۷۵، ۸۰، ۸۴، ۱۲۹).

ایشان در مسائل کلامی به جز موارد اندکی که به نقل کوتاه از یهود و نصاری و نقد اجمالی بسنده می‌کند، توجه چندانی به ادیان دیگر نداشته است، مانند: انکار نبوت غیر موسی توسط یهود (همان: ۱۳۲)، عدم نسخ شریعت یهود (دوانی، ۱۴۱۱: ۴۸)، نظریه تثلیث مسیحیت و قول به قدمای ثلاثه (دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۷۲) و حلول خدا در مسیح (همان: ۹۰).



تا قبل از تشرف محقق دوانی به مذهب شیعه، آثارش بر محور مذهب و عقائد اشاعره است که در لابه لای بحث‌های کلامی، دیدگاه برخی از مذاهب مختلف را به تناسب بیان و نقد می‌کند. مانند: نظر کرامیه در اینکه خداوند محل حوادث است (همان: ۱۱۶؛ دوانی، ۱۴۲۳: ۱۶۱)، نظر حنابله درباره حقیقت کلام الهی که قائلند از سنخ صوت و لفظ، و قدیم است (دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۱۱۶)، قول مشبهه در جسم بودن خدا (همان: ۹۳) و دلیل شیعه بر خلافت بلا فصل امیرالمومنین سلام الله علیه (همان: ۱۳۷).

بیشتر عنایت محقق دوانی در مباحث کلامی به اندیشه و آرای متکلمان معتزله است. به عنوان مثال در بحث‌های وجوب اصلح، وجوب اعواض، وجوب ثواب و عقاب (همان: ۱۰۰ - ۱۰۲)، وجوب لطف (دوانی، ۱۴۱۱: ۴۸؛ دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۱۰۰)، نفی کرامت اولیاء (دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۱۳۶)، حسن و قبح عقلی (همان: ۱۰۶ - ۱۰۸)، فاعلیت و تاثیر انسان (همان: ۶۵ - ۶۶)، صدور خیر و شر از غیر خداوند (همان: ۸۶؛ دوانی، ۱۴۱۱: ۲۱۷)، کلام الهی (همان: ۸۷)، نفی صراط (همان: ۱۲۲)، نفی میزان (همان: ۱۲۳) و عدم شفاعت اهل کبیره (همان: ۱۲۷) عقیده‌ی معتزله را نقل و نقد، و دیدگاه خویش را با دلیل اثبات می‌کند.

علاوه بر مذاهب مختلف، محقق دوانی به دیدگاه فلاسفه هم در برخی مسائل پرداخته و آنها را ارزیابی می‌کند. به عنوان نمونه در بحث حدوث عالم، نظر فلاسفه را نقد و بررسی می‌کند (دوانی، بی تا ج: ۲۸۷). همچنین بر خلاف حکماء، حشر جسمانی را قابل تأویل نمی‌داند؛ زیرا معتقد است که در قرآن کریم، صریحاً به آن اشاره شده است. او با ارائه استدلالی، جمع بین قدم عالم و حشر جسمانی را محال می‌داند (همان: ۲۹۰ - ۳۰۱)، و نیز نظر فلاسفه در فاعلیت انسان را رد می‌کند (دوانی، اسدآبادی، ۱۴۲۳: ۶۶).

ایشان با بیان حدیث پیامبر در مورد «فرقه ناجیه» به بررسی مذهب معتزله و مذهب شیعه می‌پردازد و با ذکر استدلالی، این دو مذهب را خارج از فرقه ناجیه بر می‌شمارد، و اهل نجات را بر فرقه اشعری تطبیق می‌دهد (همان: ۴۱ - ۴۲). او اما، در رساله «نور الهدایة» به تحول عقیدتی خود اشاره می‌کند که از تعصب و تقلید فکری رها شده و کتب محققین اشاعره و معتزله و فلاسفه و امامیه و صوفیه و تفاسیر و احادیث را کامل تتبع کرده و در نهایت به حقانیت مذهب امامیه معتقد گردید و در

این رساله برخی از آرا و عقائد اشاعره و معتزله را رد می‌کند (دوانی، بی تا ب: ۱۱۱).

### جمع بندی

محقق دوانی از متکلمان بزرگ اشعری است که بعدها شیعه شد و متأثر از فکر فلسفی مشاء و اشراق و با عنایت به نقل معتبر، روش عقلی و نقلی در مباحث کلامی اتخاذ کرد، اما طریقه‌ی عقلی در بحث‌هایش پیرنگ‌تر است. ایشان ضمن نقل آراء و دیدگاه‌های مختلف در برخی مسائل کلامی با روش منطقی به نقد و بررسی آنها پرداخت.

۱. قرآن الکریم.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله، محقق طوسی، نصیرالدین، ۱۳۷۵ش، شرح *الاشارات والتنبيهات*، ج ۳، قم، نشر البلاغة.
۳. امین، سید محسن، ۱۴۰۳ق، *أعیان الشیعة*، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
۴. آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، بی تا، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، قم، اسماعیلیان.
۵. پورجوادی، رضا، ۱۳۷۷ش، «*کتاب شناسی آثار جلال الدین دوانی*»، مجله معارف، دوره ۱۵، ش ۱ و ۲.
۶. جعفری ولنی، علی اصغر، ۱۳۹۰ش، «*منطق نگاری سینوی، الزامها و رخنه ها*»، مجله تاریخ فلسفه، ش ۲.
۷. دوانی، جلال الدین محمد، ۱۳۸۱ش، *حاشیه بر تهذیب المنطق*، به کوشش وحیدیان اردکانی، محمد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. دوانی، جلال الدین محمد، ۱۳۶۸ش، *شرح الرباعیات*، تصحیح دهباشی، مهدی، تهران، نشر مسعود.
۹. دوانی، جلال الدین محمد، ۱۴۲۳ق، *رسالة اثبات الواجب الجديدة*، تحقیق تویسرکانی، سید احمد، تهران، میراث مکتوب.
۱۰. دوانی، جلال الدین محمد، اسدآبادی، جمال الدین، ۱۴۲۳ق، *التعلیقات علی شرح العقائد العصدیة*، قاهره، مكتبة الشروق الدولية.
۱۱. دوانی، جلال الدین محمد، خواجهی اصفهانی، اسماعیل، ۱۳۸۱ش، *سبع رسائل*، تحقیق تویسرکانی، سید احمد، تهران، میراث مکتوب.
۱۲. دوانی، جلال الدین محمد، مخطوط الف، *حاشیه قدیم شرح جدید تجرید*، کتابخانه آستان قدس، شماره ۵۰۵.
۱۳. دوانی، جلال الدین محمد، مخطوط ب، *حاشیه قدیم شرح جدید تجرید*، کتابخانه آستان قدس، شماره ۲۳۹.
۱۴. دوانی، جلال الدین، میرداماد، محمد باقر، بی تا الف، *الرسائل المختارة*، اصفهان، مكتبة الامام اميرالمؤمنين.

۱۵. دوانی، جلال‌الدین محمد، ۱۳۷۳ش، *تهلیلویه*، تهران، نشر کیهان.
۱۶. دوانی، جلال‌الدین محمد، ۱۴۱۱ق، *ثلاث رسائل*، تحقیق تویسرکانی، سید احمد، مشهد، نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
۱۷. دوانی، جلال‌الدین محمد، بی تا ب، نور الهدایة فی اثبات الامامة، اصفهان، مکتبة الامام امیرالمؤمنین.
۱۸. دوانی، جلال‌الدین محمد، بی تا ج، *انموذج العلوم*، مشهد، نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
۱۹. دوانی، علی، ۱۳۳۵ش، *شرح زندگانی جلال‌الدین دوانی*، قم، بی نا، چاپخانه حکمت.
۲۰. دوانی، علی، ۱۳۶۳ش، *مفاخر اسلام*، ج ۴، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۱. سبزواری، محمدهادی، ۱۳۶۹-۱۳۷۹، *شرح المنظومة*، ج ۲، تصحیح و تعلیق حسن‌زاده آملی، حسن، تهران، نشر ناب.
۲۲. سهروردی، شهاب‌الدین یحیی (شیخ اشراق)، ۱۳۷۹ش، *هیاکل النور*، تصحیح کریمی زنجانی اصل، محمد، تهران، نشر نقطه.
۲۳. شوشتری، قاضی نور الله، ۱۳۵۴ش، *مجالس المؤمنین*، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۲۴. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۷۳ش، «*الإشارات والتنبيهات، سرآغاز منطق دو بخشی*»، آینه پژوهش، ش ۲۴.
۲۵. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۸۳ش، «*آرا و آثار منطقی جلال‌الدین دوانی*»، اندیشه دینی، ش ۱۰.
۲۶. گاپلستون، فردریک، ۱۳۶۸ش، *تاریخ فلسفه*، ترجمه مجتبوی، سید جلال‌الدین، تهران، نشر سروش.
۲۷. لهسایبی‌زاده، عبدالعلی، عبدالنبی، سلامی، ۱۳۷۰ش، *تاریخ و فرهنگ مردم دوان*، تهران، نشر نوید شیراز.
۲۸. ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، ۱۹۸۱م، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۹. موسوی خوانساری، میرزا محمدباقر، ۱۴۱۱ق، *روضات الجنات*، بیروت، الدار الاسلامیة.
۳۰. نبوی، لطف الله، ۱۳۸۱ش، *منطق سینوی به روایت نیکولاس رشر*، تهران،

انتشارات علمی و فرهنگی.

۳۱. هادوی تهرانی، مهدی، ۱۳۶۹، *گنجینه خرد*، ج ۱، تهران، نشر الزهرا.

۳۲. هروی (خواندمیر)، غیاث‌الدین، ۱۳۸۰ش، *تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد*

*البشر*، ج ۴، تهران، نشر کتابخانه خیام.

۳۳. یوسفی‌راد، مرتضی، ۱۳۸۷ش، *اندیشه سیاسی جلال‌الدین دوانی*، قم،

بوستان کتاب.